روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۵ ■ ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ ■ ۷ ژانویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۶۸ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۳۰ روز گذشت

ولادت موفور السرور ابن الرضا، حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را به حضرت بقیه‌الله‌الاعظم تبریک می‌گوییم

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

۳ میلیون نفر دیگر از لیست یارانه‌ها حذف می‌شوند

صفحه ۳

حالا موشک‌ها!

جان کری در یادداشت خداحافظی از وزارت خارجه محدود کردن برنامه دفاعی ایران را هدف جدید واشنگتن در پسابرجام عنوان کرد

صفحه ۲

دولت با آمارهای متناقض دخل و خرج هدفمندی را می‌پیچاند

روپولی!

۳۹ هزار میلیارد تومان درآمد هدفمندی یارانه‌ها کجا رفته است؟

صفحه ۳

عکس: احسان نادری‌پور/ ایرنا

تیترهای امروز

هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار شب گذشته با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد

فانوس‌ها روشن شدند

■ تجلیل از ابوالقاسم طالبی به پاس سال‌ها فعالیت در سینمای انقلاب اسلامی

همین صفحه

موج تروریسم به مناطق توریستی جنوب ترکیه رسید

۴ کشته در انفجار ازمیر

صفحه ۱۵

درخواست جدید اصلاح‌طلبان خارج‌نشین از دونالد ترامپ برای فشار حقوق‌بشری به ایران

تکرار خیانت!

صفحه ۲

اعلام اسامی ۲۸ فیلم بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر ۳۵

صفحه ۱۳

دعوای کی‌روش و برانکو و ضعف مدیریت فوتبال ما

فوتبال ملی گروگان دو خارجی

صفحه ۱۴

یادداشت امروز

به دنبال فرار از «پاسخگویی»

■ حمید رحیمی‌نژاد ■

در چند روز گذشته حساب توئیتری منسوب به رئیس‌جمهور اظهاراتی درباره شفافیت در امور سیاسی و اقتصادی منتشر کرد که واقعا محل بحث و تامل است. این حساب به نقل از رئیس‌جمهور چنان نقل کرد: «دولت حاضر است با تشکیل سامانه‌ای، تمام دخل و خرج و حساب‌هایش را روشن کند و در مقابل انتظار است قوه قضائیه نیز همه حساب‌های خود را روشن نماید».

در ابتدا قصدم بر این بود که با توجه به این نقل قول منسوب به ریاست محترم جمهور بحثی در ارتباط با تاثیر شفافیت در نظام اداری ایران بنویسم اما از آنجا که این روزها اینجانب، مدیرمسؤول، صاحب امتیاز نشریه «وطن امروز» و «سایر شرکا و معاونان احتمالی در ارتکاب جرم» به خاطر نقل صحبت‌های ریاست محترم جمهور از خبرگزاری‌های رسمی درگیر شکایتی از نهاد ریاست‌جمهوری مبنی «تحریف اظهارات رئیس‌جمهور و نشر اکاذیب» شده‌ایم و مثلا کمی ترسوتر گشته‌ایم(!) گفتم بهتر است ابتدا فحصی کرده و ببینیم اساساً این اظهارات از آن رئیس‌جمهور است یا خیر و از آنجا که هیچ نشانی از انتساب یا عدم انتساب این حساب به ریاست محترم جمهور وجود نداشت تصمیم گرفتم صحت انتساب این اظهارات به ریاست محترم جمهور را با مقایسه این اظهارات با چند عملکرد دولت تدبیر و امید بسنجم!

برای بررسی عملکرد دولت تدبیر و امید بد نیست به همین چند روز پیش بازگردیم که تبصره ۵ ماده ۳۸ لایحه برنامه ششم توسعه با هدف اعلام عمومی حقوق و مزایای مدیران دولت در صحن مجلس مطرح بود. در واقع هدف اصلی از گنجاندن این ماده در برنامه توسعه جلوگیری از تکرار پدیده‌ای مانند حقوق‌های نجومی بود. در این روز نماینده دولت در جریان بررسی این ماده در مجلس با تمام قوا با تصویب آن مخالفت کرد و نماینده تویسرکان از نمایندگان طرفدار دولت و از راه‌یافتگان لیست امید نیز پیشنهاد حذف عبارت «و عموم مردم» را از این تبصره داد! به عبارت دیگر نماینده دولت و نمایندگان طرفدار دولت مخالف این امر بودند که اطلاعات حقوق مدیران مانند رویه کشورهای پیشرفته جهان و حتی کشورهای همسایه مانند افغانستان در دسترس عموم مردم قرار گیرد! علاوه بر این مساله می‌توان به مساله اصل ۱۴۲ قانون اساسی اشاره کرد که براساس آن مسؤولان دولتی باید لیست اموال خود و همسر و فرزندانشان را به قوه قضائیه تقدیم کنند تا در دوره خدمت به ناحق افزایش پیدا نکرده باشد و به‌رغم گذشت ۳ سال و طی شدن نیمی از سال پایانی عمر دولت هنوز ۲ وزیر به این اصل که یکی از اصلی‌ترین اصول در زمینه شفافیت مالی است عمل نکرده‌اند و لیست اموال خود را به قوه قضائیه تقدیم نکرده‌اند و صد البته لازم نیست در این زمینه اشاره کنیم که دولت محترم و طرفداران ایشان در زمینه محرمانه اعلام شدن دارایی‌های مسؤولان و جرم‌انگاری افشای اموال مسؤولان با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام نظر منفی نداشتند و صدای اعتراضی از ایشان در این باره شنیده نشد.

مکانیزه‌سازی رویه‌ها نیز یکی از راهکارهایی است که در عرصه شفافیت توصیه می‌شود زیرا چنین طرح‌هایی با شفاف کردن اطلاعات باعث می‌شود زمینه شکل‌گیری فساد در سیستم اداری کم شود. اگر در این زمینه نیز نگاهی به عملکرد دولت داشته باشیم در عرصه تجاری شاهد حذف چنین راهکارهایی مانند کد کالا، طرح شبنم و کارت سوخت توسط دولت هستیم.

از همه اینها که بگذریم اما نمی‌توانیم از توافقات محرمانه بگذریم که نقشی اساسی در دولت تدبیر و امید داشته‌اند چون علی‌الظاهر در این دولت برخلاف دادگاه‌ها که اصل بر علنی بودن آنهاست اصل بر محرمانه بودن توافقات است اگرنه با این حجم عظیم توافقات محرمانه روبه‌رو نبودیم. حال شاید بتوان با توجیهات امثال ظریف و عراقچی برخی توافقات محرمانه مانند توافق محرمانه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به نوعی توجیه کرد که البته آن هم به صد دلیل نمی‌شود! اما نگارنده به هیچ وجه نمی‌تواند دلیلی برای محرمانه بودن قراردادهای نفتی یا قرارداد خودروسازان با پژو پیدا کند به این دلیل که این قراردادها علی‌الاصول از قراردادهای اداری‌اند و اصل شفافیت یکی از پایه‌ای‌ترین اصول قراردادهای اداری است.

ادامه در صفحه ۵

خبر آخر

هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار شب گذشته با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد

فانوس‌ها روشن شدند

اختتامیه هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار برگزار شد و برگزیدگان بخش‌های مختلف معرفی شدند. به گزارش «وطن‌امروز» در این مراسم که شب گذشته در فرهنگسرای بهمن برگزار شد، در بخش‌های بیداری اسلامی و وحدت، مدافعان حرم، جنگ نرم و سبک زندگی، به ترتیب آثار «بومرنگ»، «پل»، «بازگشت گمورا»، «جزیره فارسی» «شب‌نامه» و «۱۲ نفر» توانستند فانوس جشنواره و جوایز ویژه را نصیب خود کنند. همچنین در بخش‌های تاریخ انقلاب و فتنه ۸۸، «تحریم‌شکنان» و «شورش در شهر» فانوس جشنواره را دریافت کردند. در بخش نقد درون گفتمانی «داد» توانست جایزه ویژه را کسب کند و مستندهای «مرثیه‌ای برای یک رویا» و «دوربین مخفی» تقدیر شدند و «راه غریب» و «من سیلاب کلورام» فانوس جشنواره را دریافت کردند. در بخش داستانی کوتاه، نیمه‌بلند و داستانی بلند به ترتیب «دوئل»، «سلام» و «ترمینال غرب» فانوس جشنواره را دریافت کردند. در بخش پویانمایی هم «جنگ سوم جهانی» موفق به دریافت فانوس جشنواره شد. در اختتامیه هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار از ابوالقاسم طالبی به پاس سال‌ها فعالیت در سینمای انقلاب اسلامی تجلیل شد. مادر شهیدان خالقی‌پور چفیه یکی از فرزندان شهیدش را به طالبی اهدا کرد.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

برائت معلوم‌الحال‌ها از نامه به ترامپ

■ علی‌اکبر عباسی ■

نگاه

از اول انقلاب تاکنون، جمهوری اسلامی چالش‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است و همواره بوده‌اند کسانی که سعی کرده‌اند برخلاف جریان انقلاب و موج شناور مردم شنا کنند و در این مسیر از اینکه به کشور خیانت هم بکنند ابایی نداشته‌اند. این مساله‌ای است که مصادیق مختلفی دارد و نامه ۳۰ نفر از اصلاح‌طلبان سابق و ضدانقلاب به دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا از جمله آنهاست.

اما این فقره اخیر تفاوتی با بقیه دارد که در نوع خود جالب توجه است و آن هم مربوط می‌شود به اعلام برائت افرادی از این نامه که از آنها انتظار اعلام برائت نمی‌رفت به طوری که بعد از انتشار نامه مذکور شاهد موجی از اعلام برائت برخی اصلاح‌طلبان تندرو از آن بودیم؛ تا جایی که حتی کارشناس بی‌بی‌سی فارسی هم نتوانست در قبال این نامه بی‌تفاوت باشد!

همچنین چند روز قبل بیانیه‌ای منتشر شد مبنی بر اینکه تعدادی از تشکل‌های دانشجویی اصلاح‌طلب که در دولت یازدهم در دانشگاه‌ها ایجاد شده بود هم، از این نامه اعلام برائت کردند. این در حالی است که تعداد قابل توجهی از کسانی که نامه به ترامپ را امضا کرده‌اند خود از اعضای تشکل‌های دانشجویی دولت‌ساخته در زمان اصلاحات محسوب می‌شوند و زمانی توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای از آنها به عنوان قهرمانان جنبش دانشجویی نام برده می‌شد!

نکته قابل توجه این است که کسانی سعی کرده‌اند از نامه ۳۰ نفره به ترامپ اعلام برائت کنند که بررسی سوابق آنها، مواضع و اقداماتی مشابه و حتی بدتر از نامه‌نگاری به ترامپ را نشان می‌دهد. کنفرانس برلین در فروردین ۷۹، نطق احمد شیرزاد در مجلس ششم و متهم کردن نظام اسلامی به دروغگویی توسط او (که کروبی رئیس وقت مجلس در واکنش به آن گفت همین حرف‌ها را اگر رادیو اسرائیل بگوید تندتر نمی‌گوید)، نامه موسوم به جام زهر فراکسیون مشارکت مجلس ششم، بیانیه حمایتی از اسرائیل توسط برخی تشکل‌های دانشجویی اصلاح‌طلب در دی‌ماه سال ۸۷ در جریان جنگ ۲۲ روزه و... نمونه‌هایی از آن است. فتنه سال ۸۸ و خیانت‌هایی که در فرآیند آن به کشور و مردم صورت گرفت نیز نمونه برجسته‌ای است که یقینا صبغه‌های وطن‌فروشی و خیانت به کشور در آن به مراتب بیشتر از نامه‌نگاری به ترامپ است. اما حالا برخی از کسانی که خود در هر کدام از این رخدادها نقش اساسی داشته‌اند، از نامه به ترامپ اعلام برائت کرده‌اند و سعی کردند اینگونه القا کنند که حساب آنها از کسانی که این نامه را امضا کرده‌اند، جدا است.

حال سوال مهمی که وجود دارد این است: چه چیزی موجب شده کسانی که در سوابق آنها اقداماتی حتی بدتر از نامه‌نگاری به ترامپ هم وجود دارد، اینگونه از اعلام برائت از نامه‌نگاری به رئیس‌جمهور منتخب آمریکا از یکدیگر سبقت بگیرند؟ و آیا این تلاش‌ها برای جدا کردن مسیر خود از امضاکنندگان نامه به دونالد ترامپ، به معنای این است که واقعا این افراد با امضاکنندگان، فاصله‌ای ژرف و گفتمانی متفاوت دارند یا اینکه این اعلام برائت‌ها دلیلی مهم‌تر دارد؟

باید گفت این نوع موضع‌گیری‌ها و این تلاش‌ها برای جدا کردن مسیر خود از نامه‌نگاران به رئیس‌جمهور منتخب آمریکا توسط برخی چهره‌های معلوم‌الحال، یک نشانه و پیام مهم به همراه دارد و آن هم اینکه جمهوری‌اسلامی در آستانه ۴۰ سالگی در شرایطی قرار دارد که دیگر نمی‌توان با این رویه با آن تقابل کرد و اگر هم قرار است تقابلی با نظام اسلامی صورت گیرد باید روشی نو درانداخت. در واقع این واکنش‌ها بیش از هر چیز بیانگر اثبات حقانیت و مقبولیت جمهوری‌اسلامی است، مقبولیتی که موجب می‌شود نتوان مانند گذشته و با روش‌های سابق به مقابله با آن پرداخت و اگر هم کسانی پیدا شوند که به طور علنی دست به نامه‌نگاری به رئیس‌جمهور آمریکا برای مقابله با جمهوری‌اسلامی بزنند، حتی هم‌قطاران سابق‌شان هم آنها را نفی خواهند کرد و از آنها اعلام برائت می‌کنند.

در واقع کسانی که زمانی خودشان اقداماتی بسی خائنانه‌تر از نامه‌نگاری به ترامپ را هم مرتکب شده بودند و در کارنامه‌شان موجود است؛ به این رسیده‌اند که با نامه‌نگاری علنی به دولتی که دشمن شماره یک ملت ایران محسوب می‌شود نمی‌توان با نظام تقابل کرد که اگر این شدنی بود، بعید نبود نام برخی از همین افرادی که امروز در اعلام برائت از نامه مذکور از هم سبقت می‌گیرند را هم پای این نامه می‌دیدیم!

برادرت «قاسم» همچنان به گوش است

■ حسین قدیانی ■

یاد

در سررسید، یادش را گرامی بدارند یا ندارند؛ نفری که در کابینه، مافوق وزرا می‌نشیند، حواسش باشد یا نباشد؛ خود را مدیون خون شهدا بداند یا نداند؛ حضرات میدان سیاست «سه‌راهی شهادت» را به یاد بیاورند یا نیاورند؛ اصلا بشناسند یا نشناسند؛ آقای رئیس، دقایقی از نطق پیش از دستور خود را به «شب‌های قدر انقلاب اسلامی» اختصاص بدهد یا ندهد؛ اصحاب بهارستان در باغ باشند یا نباشند؛ «السابقون» را قدر بدانند یا ندانند؛ روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و جراید، از «لندکروز آتش‌گرفته حاج‌بخشی» چیزی بنویسند یا ننویسند؛ فریاد «ماشاءالله حزب‌الله» آن‌هم در بحبوحه خون و خطر را پوشش بدهند یا ندهند؛ سر نترس دلاورمردان جبهه جنوب را دوباره منعکس کنند یا نکنند؛ حواس شبکه‌های اجتماعی، جمع باشد یا نباشد... هیهات! ما ۳۰ سال پیش از این روزهای امن و امان خود را فراموش نمی‌کنیم! و سالگرد عملیات «کربلای ۵» را فراموش نمی‌کنیم! و «حنابندان شهادت» را فراموش نمی‌کنیم! و آن جمله معروف و خودمانی شهید سعید شاهدی که «برادر! شلم کجا بودی؟!» را فراموش نمی‌کنیم! و گریه‌های سنگر «امن یجیب» را فراموش نمی‌کنیم! و خنده‌های سردار شرق ابوالخصیب را فراموش نمی‌کنیم! و مستند «علمدار» را فراموش نمی‌کنیم! و «روایت فتح» حاج‌حسین خرازی را فراموش نمی‌کنیم! و «آن آستین خالی که با باد، این‌سو و آن‌سو می‌رفت» را فراموش نمی‌کنیم! و خانه کوچک فرمانده اصفهانی در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر زاینده‌رود را فراموش نمی‌کنیم! و «اسوه شب‌شکاران» را فراموش نمی‌کنیم! و «فخر طلایه‌داران» را فراموش نمی‌کنیم! و «بلبل خوش‌الحان خمینی» را فراموش نمی‌کنیم! و «قاسم و رضا» را فراموش نمی‌کنیم! و آن «بولدوزرچی را که بر کوهی از آهن نشسته بود و کوهی از خاک را جابه‌جا می‌کرد» فراموش نمی‌کنیم! و جنگ سخت در «جزیره بوارین» را فراموش نمی‌کنیم! و «موانع مثلثی» را فراموش نمی‌کنیم! و «کانال پرورش ماهی» را فراموش نمی‌کنیم! و شب‌های متاثر از نور منور، روشن‌تر از روز را فراموش نمی‌کنیم! و غبطه خمینی به چهره نورانی مردان جبهه صاحب‌الزمان را فراموش نمی‌کنیم! و لرزیدن شانه پرستوها در حسینیه جماران را فراموش نمی‌کنیم! و هیچ‌کدام از کربلاهای سال ۶۵ را فراموش نمی‌کنیم! و داستان مقاومت ولو با دستان بسته را فراموش نمی‌کنیم! و بغض «کربلای ۴» را فراموش نمی‌کنیم! و در امتداد آن بغض، بازشدن جاده‌ها در «کربلای ۵» را فراموش نمی‌کنیم! و گریه‌های از سر شوق را فراموش نمی‌کنیم! و ایمان را و اخلاص را و اخلاص را و اخلاص را فراموش نمی‌کنیم! و تاکید مدام بر «ما چه کاره‌ایم؟ کار خدا بود!» را فراموش نمی‌کنیم! و آن حجم عظیم آتش را فراموش نمی‌کنیم! و جانبازی «عباس‌های تشنه‌لب» را فراموش نمی‌کنیم! و رد قناسه بر صورت بسیجی ۱۷ ساله را فراموش نمی‌کنیم! و شهدای لب‌تشنه خاک شلمچه را فراموش نمی‌کنیم! و بادگیرهای زیبای سرمه‌ای را فراموش نمی‌کنیم! و سرمه شهادت بر چشمان مجاهدی در لباس روحانیت را فراموش نمی‌کنیم! نه! ما طلبه و دانشجو و کارگر و کارمند شهید کربلای ۵ را فراموش نمی‌کنیم! و ۳۰ سال پیش از این حاج‌قاسم را فراموش نمی‌کنیم! و دویدن مجنون‌وار، دنبال لیلای شهادت را فراموش نمی‌کنیم! و «حدیث دشت عشق» را فراموش نمی‌کنیم! و «فرهنگ مقاومت» را فراموش نمی‌کنیم! و «بوسه امام بر دست و بازوی رزمندگان» را فراموش نمی‌کنیم! و ایستادگی بچه‌های جبهه در آخرین سالیان جنگ را فراموش نمی‌کنیم! و «انهدام دژهای تسخیرناپذیر دشمن» را فراموش نمی‌کنیم! و غریو «الله اکبر» پس از بازشدن هلالی‌های ۲ و ۳ را فراموش نمی‌کنیم! و رشادت جوانمردان «لشکر ۵ نصر» را فراموش نمی‌کنیم! و نماز شب‌های رزمندگان «لشکر ۱۰ سیدالشهدا» را فراموش نمی‌کنیم! و شهادت بسیجیان «لشکر ۴۱ ثارالله» را فراموش نمی‌کنیم! و مظلومیت شهدای «لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب» را فراموش نمی‌کنیم!

نه! ما «کربلای ۵» را فراموش نمی‌کنیم! و باذن‌الله، اجازه نمی‌دهیم روزگار، ذائقه‌مان را عوض کند! امروز برای ما، فردا صبح همان دیشبی است که «خواب بابا» را دوباره دیدیم! و «نور بهشتی» هرگز از چهره پدران ما نخواهد رفت! کجایید «گروه سرود بچه‌های آباده»؟! کجایید «برادرهای من»؟! گفت: «آه جبهه، کو برادرهای من؟!» آری! ما هنوز هم با صدای آهنگران صفا می‌کنیم! و از سنگر شهادت، سنگر خوب‌تر و قشنگ‌تری سراغ نداریم! و از برادران جبهه، برادران بهتری سراغ نداریم! هنوز هم ما «پیران توپخانه» می‌بینیم! و زیارت عاشورای حاج منصور در دهه ۶۰ گوش می‌دهیم!

ادامه در صفحه ۵